

صاحب امتیاز  
و مدیر مسئول  
دکتر اسمعیل  
اردلان.

# کوهستان

نامہ تفصیلی

بھیچ حزب  
دستہ یا جمعیتی  
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

۲ شنبه ۲۱ خرداد ماه ۱۳۲۴

سال اول - شماره ۱۶

## (( يك دسته مرموز !! ))

چند روز قبل از سقوط دولت آقای حکیمی دستور احضار فرمانده لشکر کردستان صادر شد معلوم شد آنها با هواخواهان او از فرصت سوط کابینه استفاده کرده احضار شد و با او حاضر شد به علت وخامت اوضاع کردستان را ترک کند

آری انتشار نامه کوهستان مضمون بود بر مضمون این خود پرستان آنها میبایست از در مخالفت در آید و شدیداً بر علیه ما بحریک پیدا کنند. آنها هم حق داشتند زیرا حربه قاطعی در مقابل خود می دیدند میبایست این حربه را از میان بردارند.

از طریق کودکاه ای وارد مبارزه شدند چند نفری را از سفر بنهیدید و فشار دادند تلگرافاتی معارضه کنند و به «نامه کوهستان» حمله کنند ما دست آنها را خواندیم از بیچاره مردی سر جوخه ای را حامل پرچم آزادی کردند تا بنام اهالی گروس تلگرافی کند آرزاهم عموم روشنفکران کرد باسخ دادند

از این راه چون توفیقی حاصل نکردند بر برادران کرد ما که در محل سکونت دارند فشار ظلم و بیدادگری، قتلش و تحت نظر گذاردن، بنهیدید و زندانی بودن را شروع و تا توانستند در این راه هم با فشاری کردند از اینهم نتیجه ای نگرفته غلغ سلاح را آلت اجرای مفاصده شوم خود فرار دادند از مالکین مطیع شهری - املعه های مجاز دولتی را پس گرفته و بحساب غلغ سلاح ج اشرا را جلوه دادند آنها هم مایش بینی نمودیم و عوام - و خیم آنها هم ذکر کردیم از این راه هم خون عده ای بیگناه ریخته شد مال عده ای بیچاره به بسا رفت شاید این چون ضربتی بر پیشتر قوم دلیر کرد بود، آتش تحسب آنها را اندکی فرو نشاید باز در این حال هم دست برداشتم و بعضی از این وقایع را در صفحات نامه کوهستان منعکس نمودیم. استقلال کرد را که در آن طرف سرحدات ما مورد محبت است و موضوعش در انجمن ساغر انسیکوم مورد مطالعه است بهترین فرصت برای پوشاندن عملیات سوء خود قرار دادند در هر چنان هستند آنها را به اگراد ایرانی نیست دادند مضمت این است چندی است می شنویم مانتد پیر زمان هر چنانی شنید می گویند نامه کوهستان برای ایجاد استقلال کرد بوجود آمده.

من این مردان پیر زن صفت را معطاب قرار داده میگویم نامه کوهستان نظریات خود را صریحاً نوشته می نویسد روزنامه ایست کثیرالانتشار و اوردن آن هر هفته در دسترس عموم قرار داده میشود شما میتوانی با کمال دقت تمام جملات کلیه صفحه های آنرا بخوانی و از هر عبارت و هر جمله آن هر ایرادی دارید مورد تفسیر و بحث قرار دهید اگر اچنانا چند شماره آن هم قلا در دسترس شما نیست بقیه در صفحه ۸

ما از جنبه تذکر با فراتر نگذاریم تاخا نکردیم جدا مامورین دزد تعقیب بشوند زیرا همه میدانستیم بازار زدو بند بقدری رونق دارد که اگر هم ثابت کنیم فلان مامور دزد است برونده های خواهند ساخت که او را در متکثرترین و بکترین مامورین جلوه دهند.

نگفتیم فلان مامور دیوانه است زیرا فوراً حکم اعزام خود مارا بدارالعالین صادر میفرمودند شاید واقعا هم بنظر آنها ما دیوانه باشیم که در فکر ملکیم جوش میزنیم که چرا فلان و فلان خیانت میکنند چرا مقدرات ملکیت را آلت هوس رانی خود قرار داده اند ...

آری ما دیوانه ایم، دیوانه عشق و وطن.

ما دیوانه ایم، دیوانه بصیبت و صداقت و وفاداری

ما دیوانه ایم، دیوانه مبارزه با ماجراجویان و آنها بیکه پانگه مقامات خود از بست ترین و نابکارترین عمل خود داری ندارند.

ما از روزی که با انتشار نامه کوهستان خوانیم از حقوق برادران کرد خود دفاع کنیم و خواستیم با برهم زدن نقشه کلوا که این گروه مامورین خانرا اشرار را بدولت حقیقه امیدوار کنیم و کینه اعمال جنایت کلوا که آنها را در معرض افکار عامه قرار دهیم اضمینان داشتیم در مبارزه شدیدی وارد شده ایم زیرا پرواضح بود که این اقدام ما با منافع عده ای تماس خواهد یافت جلوی بسیاری از خرابکاریها را خواهد گرفت مردم را بیدار خواهد کرد و آنان را بحق استفاده از حقوق قانونی خود واقف خواهد گردانید

آری زورگویی و خود مختاری در ناحیه ای که مردمان زنده و بیدار داشته باشد امکان پذیر نیست.

يك دسته مرموز ۱۱  
آری يك دسته مرموز ۱ پادشاه های شوم به بازی خطرناکی اشتغال دارد. يك دسته مرموز مركب از عناصری متكي پشاشغل عالی دولتی تصمیم دارد قسمت مهمی از خاك ایران و اندای نظریات بلید خود كند.

يك دسته مرموز با تمام قوا در فعالیت است تا ناحیه حساسی از این ملكت را از كف مابدر كند. این دسته مرموز در لباس خدمت بزرگترین خیانت را مرتكب میشود.

میدان عمل این دسته خاك کردستان و هدفتش تأمین ناحیه ای برای اجرای نظریات های خصومی است بهر طریق که ممکن باشد و لوازمیکه این منظور بقیبت تجزیه خاك ایران تمام شود.

روش که برای اجرای برنامه خود پیش گرفته، فشار بر ساکنین این منطقه، نهید - آزار - جس - تهت - اشاعه اکاذیب - مشوب بودن اذهان عمومی - صیالی کردن مردم - تحریک و اعمال آن میباشد.

مایبوسته کوشیده ایم مطالب را بطور سر بسته بمقامات مسئول گوشزد نموده آنان را منوجه اهمیت موضوع و خطر این دوش خائنه سازیم. زیرا گمان میکردیم اگر اشتباهاتی سهواً یا عمداً اعمال دولت در این نواسی مرتكب میشوند گوشزد کنیم ممکن است مورد توجه اولیای مسئول مرکزی واقع شده و این همکاری صیانه ما را با آغوش باز استقبال کنند. از تذکره بکی دوبار اکتفا نکرده بلکه مکرر نوشتیم تغییر رویه دهید،

مامورین نابکار را بنظر بازی شوم خود واقف گردانید. متاسفانه این تذکرات صیانه ماه تنها مورد توجه واقع نشد بلکه باعث گشت که فشار مامورین در محل بر برادران کرد ما افزوده شد

### خبر های داخه

#### شرقیایی بحضور ملوکانه

پیش از ظهر سه شنبه ۱۵ آفرین سیر کبیر دولت امریکا که نمازگزاران آمده اند بر حسب وقتی که تبلا تعیین شده بود در کاخ گلستان حضور ملوکانه شرفیاب و استوارانامه های خود را تقدیم داشتند.

#### تحويل راه آهن جنوب

قسمتی از تأسیسات راه آهن جنوب از طرف متفقین تحويل وزارت راه شده بود اکنون برای تحويل بقیه راه آهن فراد است کمیسیون مرکب از امران ارشد متفقین بانفاز مدیرکل بنده راه آهن و روسای قسمت های فنی بجزوب عزیمت نمایند تا کلیه تأسیسات راه آهن را تحويل گیرند.

#### مجلس جشن و ضیافت

آقای سیر کبیر افغانستان، بانتهار آقای محمود ثابت پاشا سیر کبیر دولت مصر مجلس ضیافتی در شب جمعه ۱۸ در سفارت افغانستان منعقد و از آقای معاون وزارت امور خارجه و عده از رجال دعوت شده ود.

#### انتصابات

آقای مقتدر زدهی (مقتدر السلطان) فرمانداری طالش منصوب شده اند. آقای اکبر مبول دادیار دادسرای شهرستان تبریز بست امانت دادگاه بخش تبریز. آقای مصطفی میرمخارمی امین دادگاه بخش تبریز. آقای محمدتقی مجاهد امین دادگاه بخش تبریز بست دادسرای شهرستان تبریز.

آقای علی انوالفتحی باز پرس شعبه ۲ دادسرای شهرستان تبریز بست دادسرای امانت شعبه اول دادگاه بخش تبریز آقای ابوالفتح کیهان نماینده تبت تبریز بست دادسرای شهرستان اردبیل.

آقای حسین داد پرور معاون دایره غرب تبت اول دادگاه تهران بست کارمندی علی ابدل دادگسری شهرستان اردبیل منصوب شده اند.

#### محکوم بااتصال ابد

جواد معارنی بانام ارتکاب اغتلاص مبلغ یکمصد و شصت و دو هزار و دویست و بیست و هفت ریال از حقوق کارمندان پشنگاه راه آهن بدو سال حبس مجرد و افضال ابد از خدمات دولتی و نادیه دور برابر وجه مورد اغتلاص بعنوان شرامت بخوابه دولت و یک برابر آن بتاریخ خواه محکوم گردید.

#### اخبار ستر

۱- در هنگامیکه سرگرد کشاورزی مامور جمع آوری اسلحه در آبادی چاغراو سه فرسخی سفر توقف داشته دردمه باور موسوم به «لکزی» بکفرسخی توقف نگاه مشارالیه اغنام و احشام بغارت برده شده است.

۲- دزدان مسلح آبادی معهود آباد را قصد غارت تپانه جانانه نموده در نتیجه اقدامات ساکنین در دو نفر از سارقین مجاهد امین نام و یک نفر دیگر باغیله های برنو دستگیر شده اند از قرار اطلاع و امانت این دزدان مسلح از آدمهای علی هه ویسی بوده اند.

علی هه ویسی همان شخصی است که در بنام سرهنگ بایندر املاک عده ای را غضب و باکمال راحتی بهره آرنانوش جان می فرموده حال معلوم نیست بانشریف بردن

حضرت سرهنگ شخص نامبرده هنوز باید مابین اعمال مشغول بوده کسی متعرض او نشود.

#### از کردستان

آقای سید جمال الدین شیرینی مخبر مادر کرمانشاه اطلاع میدهد که شب پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت عده از اهالی قراء لاله سلسله نسی آباد از طایفه شاه منصور بدست یاری ویس عده فرزندان معده فرقه بلاغی مساعانه بقره قرابلاغ وارد و معادل ده هزار ریال وجه تهنه و مقدار ای امانیه منطبق به آقای میر ابراهیم امجد مالک سه دانگ قره نامبرده را بغارت برده و باوجود این که مراتب بدادستان کردستان اطلاع داده شده تا بحال کوچکترین اقدامی در دستگیری سارقین و استرداد اموال مسروقه نشده است.

### «سلام من بتو ای کوهستان»

از انتشار آینه تلوپ تمام ایرانیان بخصوص «اگراد» که از بغار زور تیره شده بود مینالی یافت و باعث مسرت عموم گردید. همانطوریکه رسیدن عید را مردم بغوشی استقبال می کنند و به یکدیگر تبریک میگویند مابین از انتشار توای کوهستان خوشوقت شدیم و تهنیت و تبریک میگوئیم. از ایزد تعال خواهانیم در اثبات در آسمان سعادت درخشنده و خدایات در انجام این خدمت ملی حکمه و طایفه وجدانی است موفق بداد. سندج ۱۳/۲۴ - معده دلی خاوری

#### دولت و مجلس

پس از آنکه دولت آقای حکیمیی باوضع غیر منتظره ای متوسط کرد آقای مدرا لاشراف بنخست وزیری بر گزیده شدند اکثریتی که از چند روز قبل از عده ای از وکلای تشکیل شده بود با بروری کار آمدن آقای صدر روی موافق نشان داده مصمم شدند از دولت ایشان پشتیبانی کنند در حالی که اقلیتی از وکلا جدا با ایشان و تشکیل کابینه ایشان مخالفتند عده ای از روزنامه های آزادی خواه و احزاب مختلفه تهران طی مقالات و اعلامیه های تند مخالفت خود را با کابینه ایشان اعلام داشته اند.

هنوز تصمیم آقای صدر

راجع به وزیری کابینه معلوم نشده است.

طی آکپه ایی شدیدی از خواننده دان تقاضا کرده بودیم نظریات خود در ارجاع به مندرجات نامه کوهستان بنویسند. این هفته انتقادات چندی از سندج رسیده که بهلت کسی جادوشماره آینه درج و بغواتندگان و - و علاتمندان پاسخ خواهیم داد

#### ترجمه و نگارش: آقای منصور شاهنواز

### «۱۱» هزاره دزدان

#### فصل ششم

آرنیکو در پیش از دالان بین ارطوبی عبور کرده سپس بنار بزرگی رسیده. دو شمع بزرگ که جاری تصویر حضرت مریم میسوخت این غار بزرگ را نیم روشن کرده بود اما آرنیکو بیون اینکه اغتلاصی بنمال حضرت مریم بکند از مقابل آن گذشت. هراس از مشاهده تصویر تعجب شده گفت:

- من هیچوجه خیال نمیکردم بنمال حضرت مریم در اینجا وجود داشته باشد.

- برای چه خیال نمیکردید؟

- گمان نمیکندم که مائو مردی متدین باشد

- اما شما اورا نیشناسید. از همین پولها که از مادر شما گرفته است نمیش را در کپسا در راه شده خرج کرده برای اینکه وجدانش به او اجازه دهد که بی دانه اریم دیگر استفاده کند

او هیچوقت در روزها یک عید مذهبی ماست براهزی دست نمیزند - و به هیچکس کاری ندارد.

هراس در مقابل این حرف خنده کرده جواب داد:

- آه چه اعتقاد باطل و موهوری!

- پس است خواهش میکنم دیگر از نهیب و دین برای ما صحبت نکنید ما آندر موعظه و اسبخت شنیده ایم که دیگر گوشان برای اسایح

و اندرز های شما حاضر نیست.

هراس خیلی مایل بود که از آرنیکو نام کسیرا که بانها نصیحت میکند بپرد اما از زمین قیافه گرفته و تلخ آرنیکو از خیال خود صرف نظر نرود. در این وقت آرنیکو شع دیگر روشن نمود و هراس درته غار چند نیکت و یک میز که روی آن چند بشقاب و بطری قرار داشت مشاهده کرد سپر آرنیکو رو بهراس کرده گفت

- در موقع ظهر آیا با ما غذا خواهید خورد یا اینکه شما میخواهید تنها بخورید؟ اگر تنها غذا میخورید همین الان شارا بجایگاهتان بیرم -

- من گرسنه نیستم و میخواهم تنها باشم

- بسیار خوب پس دنبال من بیایید.

آرنیکو و هراس از چند پله که در روی تخته سنگی ساخته شده بود بالا رفته و غار دیگری مشاهده کردند نارنگی باندازه بود که هراس به هیچوجه نتوانست چیزی تشخیص بدهد اما در حالیکه دست و پا را بزمین میسالیه و راه میرفت دستهایش بتوده بزرگ خشک شده ای برخورد کرد.

آرنیکو به هراس گفت: اینجا محل خواب بلبل است شما هم میتوانید در اینجا بخوابید. آرنیکو پس از اینعرف از آنجا بیرون رفت مجوس جوان چون خود را تنها دید آهی عمیق برکشید. مدتی در اطراف موقعبت خویش فکر کرد او خوشحال نبود اما بیشتر فکرش بغرف مادرش معطوف بود.

او انشوه مادر را در نظر میآورد چشانش را میبست و در عالم خواب و خیال مادرش را میدید که بزانو نشسته و از خدای بزرگ فرزندش را میطلبد.

نظریات خصوصی !!!

نامه کوهستان ، روایت سکیان ، روایت ستاره ، روایت مهر آقای دکتر اسماعیل اردلان چون در نامه کوهستان بیشتر نظریات خصوصی درج میشود با اینکه آریونان آزار پرداخت نسوده ایم خواهشند است از ارسال نامه برای امضا کنندگان خود داری فرماید .

اشرف مستندی - حضرت افه مستندی صلوات الله علیه رحیم زاده علی امیر مستندی مدیر مستندی

\*\*\*

کوهستان - از اظهار لطف و حسنیت آقایان گسه نامه کوهستان را بنحو شایسته ای (۱) خواستاد معرفی و تبلیغ نمایند متشکریم اگر چه نامه کوهستان روزنامه جوانی است و بیش از سه ماه و نیم عمر ندارد مینماید آنطور که باید شناخته شده و متفرجه است آن که اوراق نهانی نیست در دسترس عموم قرار گرفته و خوانندگان آن فعلا بنظور موسس آن و استقبال جامه کرده از آن بی برده اند

از اینکه در این تلگراف مرقوم شده است و بیشتر نظریات خصوصی درج میشود چه مام تصدیق داریم - این روزنامه مخصوص نوعی کردنش و مخصوص افراد و مخصوص علاقه مندان به کوهستان آری در چنین روزنامه ای باید نظریات خصوصی اگر چاپ شود و آنچه را صلاح آرد است باید در آن درج گردد و معلم نهایت کوشش اداریه منوالقدور در این خدمت ملی توفیق یابیم نظر خصوصی مایست ؟

مایخواهیم حاضره کرد در راحت و امن و امان باشد مایخواهیم دست اشخاص متعددی و نا صالح از گریبان مردم کوتاه شود

مایخواهیم هر کار بدی را بگوئیم بد است و آنچه را خوب است بگوئیم خوب

مایخواهیم هیچگونه تبعیض قائل نشویم مایخواهیم هر چه مینویسیم و هر چه میکنیم بهر صلاح جامعه گردانند

مایخواهیم و جدا نا خدمتی را که باین آب و خاک مدیونیم انجام دهیم

این است نظریات خصوصی ما - حال اگر این نظریات خصوصی به چند نظر خوش آید باشد دلیل نمیشود ما از آنها تبتیم کنیم ما این نظریات را خوب و لازم تشخیص دادیم که در راه ایماش هم بیکوشیم سلیقه ها مختلف است مسکن است آقایان اعضا کنندگان این نظریات خصوصی ما را اصلاح بدارند این هم سلیقه ای است و معلم امراری نداریم که آقایان از ما تبتیم کنند مروز زمان یادست طبیعت بالاخره مایاشا و هر دورا بشماره سعادت سوق خواهد داد حال حوینده این راه هر کسی میخواهد باشد .

چند زنده است برای کسانی که بخواهند پرداخت دوست زبال وجه اشتراك سالیانه يك روزنامه را شاهکار ملاحظه جلوه داده بخواهند در سایه آن فداکاریشان دوجراید متمسک شود .

جوانهای عزیز (۱) واقعا فداکاری کرده اید اگر واقعا شما مشترک نامه کوهستان نی شدید این روزنامه تعطیل میشد این خدمت پرده ملی شمارا > پرداخت دوست زبال وجه اشتراك > چشمه کرد فراموش ننهوه کرد و این مردانگی شاهم که با وجود پرداخت بها ، روزنامه برای مدت یکسال فسی و صرف نظر کردن از دریافت روزنامه که واقعا از خود گذشتگی است در تواریخ معطور خواهد شد .

آقایان معترم تلگراف شما جواب های دندان شکن داشت ما توانای این را داریم که در اطراف وضعیت شما - طرز رفتار شما ، میزان اطلاعات و متفله شما و بالاخره در برنامه سالیانه شما مطالب قابل توجهی بنویسیم ولی ما برای نوشته خود ارزشی قائلیم و میخواهیم صفحات نامه کوهستان را بشتر بربح اوصاف و کردار و خدمات شما به جامه کردا پر کنیم .

هیچ تالخراف خود بهترین معرف نامه کوهستان و شما خواننده

آقای مدیر محبوب نامه کوهستان

حقیقتا از خواندن تلگرام گروس و جوابیه آقای ع . ا نهایت متاثر شده و به این دستهای ناپك غیر مرئی که همیشه سوده ادبی خود را در تفرقه این توده بدبخت میدانند و برای رسیدن بنظور بلید از هیچگونه خیانتی دریغ نمینانند لعنت فرستادم اینك با اجازه خوانندگان گرامی نامه عزیز کوهستان جواب هر دوی آنها میدارم میورزد .

تلگرام گروس چه اولامندرجات نامه های وارده کوهستان میزان علاقه و بستگی افراد کرد و نسبت به آن ثابت مینماید . تا یا بطوریکه بنظر خوانندگان محترم رسیده تلگراف میوروزا عده ده بیست نفری امضا نمودم این عده در مقابل اکثریت صورت صفر را دارد زیرا ده هزار نفر جمعیت گروس اشتار نامه کوهستان را استقبال و نسبت به برادران کردستانی خود همیشه وفادار بوده و میناشند .

جواب آقای ع . ا .

باید سگ بنویسند معترم جواب تلگراف گروس از این دیرینه دارم میداد تا که بر این نکته را تذکردهم بطو ویکه از مفاد مقاله ایشان استنباط میشود هویت است که مشارالیه تحت تأثیر و تحریک پاره از رفقای خود که با هم شهریه های عزیز ماگروسیا خورده حساب داوند واقع شده اند زیرا ایشان بدون تنقی در جواب آن چند نفر که شاید پس از معاينه تلگراف میوروزا خودشان هم از اقدام چری خود پشیمان شده باشند قلب عده کثیری را جرحه دار نموده اند بهر حال نویسنده گان معترم نامه عزیز کوهستان باید بدانند علاوه بر اینکه گروس عضولایفك کردستان میناشند در این توفع باریك میهن محبوب ما ایران و مصر ما زیاد کرد با تلق و اتحاد از هر چیزی بیشتر احتیاج دارد و - حضا باید از هر گونه احساساتی که دوت و تفرقه در بین ما ایجاد میکند ولو احساس آن بیشتر

سابق این روزنامه است

از شما دو تالفا داریم :

۱- نظریات عمومی ما را که در نامه کوهستان درج شده و شمارا که میگویند بکنفر کرد هسته از خواندن حسته کرده صریحا بنویسید و ما خوانندگان را متوجه سازید .

۲- با مراجعه بنسایتی که نامه کوهستان در دستندج بقیه وجه اشتراکی که تا آخر سال باقی است تحویل بدهید زیرا نامه کوهستان تك دارد وجه اشتراك از کسانی دریافت دارد که از وی حبه و ایمان مند رجانش را نتوانند اگر کسانی شمارا و ادار بیفاره چنین تلگرافی سوده اند مطمئن باشید ما بسیار توانا تر از آیم که بظاهر ضاوت نموده تابع احساسات آنی خود باشیم .

ضاوت و تمیض ما درست است اینگونه تنگنا و امثال آن از بیثروی در این راه حضا در آن قدم گدارده ایم منع نخواهد کرد .

چون میخواهیم بیش از این وقت خوانندگان را باین موضوع نا قابل مشغول داریم نظریات دیگر خود را موکول بوقتی خواهیم نمود که از شما آثار حیات دیگری منتهود گردد .

پدر حال شمارا در انجام این خدمت علم که پیش گرفته اید تبریک میگوئیم .

الفبای آسان

شاهراه دستگیری ایرانیان است چون با سواد شدن همه افراد ملت از هر کار واجب تر میباشد و از آنجا بیستگه یگانه راه کاملا با سواد گردیدن بیسوادان در یک هفته حد اکثر در یکسال همانا تبدیل این الفبای فارسی بلاتینی است و بهین سبب برخی از علل اسلامی مانند ترکیه و قنار به و از بکستان و تاجیکستان و تاتارستان و ترکستان و قستی از آکراد و غیره این کار را حتی برای زبان فارسی و عربی و کردی هم کرده اند .

برای اینکه این منظور در ایران هم انجام یابد چه سستی بنام گروه طرفداران الفبای آسان تأسیس یافته که مرکزش در تهران و شعبانش در بعضی از شهرها آنها تشکیل شده . لذا داوطلبان عضویت در این گروه برای اطلاع از جزئیات و دریافت اوراق مطبوعه روزهای سه شنبه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ بشانی زیر تشریف بیاروند و از شهرها تنها مکاتبه فرمایند .

تهران - بالای خیابان سی متری نظامی کوچه روبروی خیابان نایب .

اولاناسم آزاد مراغه دبیر گروه طرفداران الفبای آسان

\*\*\*

گمان نیورده هیچ شخص هوشیاری این قسم بزرگ را بزرگ را گرامی بشمارد : زحمتی را که آقای آزاد مراغه در این راه متحمل شده اند شایان تندر است . ما عوم علاقه مندان را دعوت می کنیم در این اقدام تك هم قدم شوند .

فردی تمام شود خوداری نایب و همواره سوداچسانی را در نظر گرفته و فرد را فدای جمع کنیم امیدوارم از این تلگراف توستاه آقای ع . ا مکتور شده و منید نلم شیوای - خود در راه اتحاد و اخلاق کرد پیش آیش مورد استفاده قرار دهند - حسنی - آزموده اردلان

## وقایع آزارات

## آزارات

آگری

-۴-

بعد از صلح معلوم شد که نام طوایف مختلفه آزارات ا کورتی مار-امرد (در تاریخ های ارمی مار قید شده است) بود و هر یک قسمتی از طوایف گوتی ها بوده اند.

این طوایف تنها در خاک آزارات (بشهادت استرابون مورخین دیگر) بلکه در تمام خاک مادستان - فارس - آذربایجان و مازندران در تحت همین اسمی زنده گانی میکردند.

پیدایش دین عیسوی ارمی ها و آزاراتیها را طوعا و کرها بیان دین در آورد.

در تاریخ ۲۷۹ میلادی طوایف پادشاه ارمی، دین عیسوی را قبول نموده در حوالی عوش شهان از روحانیون هالیدی را کشته فرموده عیسوی نمود. بعد از انتشار اسلام عدم زیادی از آزاراتیها به هم لادان دیگر خود یعنی کردهای جنوب ناسی نموده دین اسلام را قبول کردند در حالیکه عدم تیکری در عقیده مسیحیت باقی مانده اند.

(حتی در این اواخر بزود میان اکراد خانواده های دینه میشد که هنوز در رسومشان بارهای آثار عقاید مسیحی بودار و همچنان در میان ارمی ها هم مسیحیانی یافت میشدند که زبان ارمی را نداشتند بریان کردی صحبت میکردند. این دو گروه از اغلب هالیدیها بوده که بدین مسیح گرویده دست اول بدنها مسلمان شده در صورتیکه دست دوم در عقیده مسیحیت خود باقی مانده بودند.)

از این جمله مترجم میگنویم. اختلاف عقیده این دو هم وطن را بجان یکدیگر انداخت. وقتی دین اسلام در شرق رونق و حاکیتی بدست آورد کم کم کردهای آزارات روی کار آمدند از آنجمله خاندان شدادی منسوب بطایفه وادی بود که در اطراف شهر شاپورین پایتخت قدیم ارمنستان و نزدیک های کوه آزارات مسکن داشتند. ابتدا در گنجه و قفقاز سلطنتی بدست آورده سپس به ارمنستان دست یافتند و بدین ترتیب آزارات دوباره تحت حمایت فرزندان اصلی خود قرار گرفت در حدود قرن پنجم هجری بود که وحدت کرد کرد ارمی در مقابل ایلهای غارتگر ترک جامعه عمل پوشید. ایلهای ترک دست جبار غارتگری شان تا به نزدیکی های آبی دراز شده بود پادشاه کردها منوچهر کوتاه کردن دست آنان را لازم دانسته تهمب مذهبی را کنار گذاشته دست بشیر برد.

گریگور فرزند وهالک که از بزرگترین و باغود ترین شخصیت های ارمنستان بود بکنک قشون کرد شافت چند سال بدهم که ارمنستان مورد حمله ترکها واقع شده بود منوچهر قشون به کمک ارمی ها کبیل داشت.

بدنها پس از اینکه حکومت های خود مختاری از میان رفت. امرای کرد در مناطق مختلفه کردستان نفوذ منوی خلیفه های عثمانی را با مداخلت و وفاداری برقرار نموده بدین ترتیب آسایش آن منطقه تامین و کردها از دعوی آزادی تاحدی برکنار شدند ولی باز هم کله گاه از کوه و کنار تنه های آزادی طلبانه بلند و پس از چند صیاحی خاموش می شد.

ساکتین این کوه باب و خاک خود دل بسته بانصبی توام بایاس و ناامیدی اشعار شاعر ملی خود (احمد خانی) را که تفریب آمیزه سال قبل سروده بود زمزمه میکردند که میگفت:

ساقی تو ز بوغدی کرم که  
داجام به می جهان نایب  
دا کشفیت له برمه احوال  
ادبار موی گی ها کسالی  
یا هرو هادی له استوایت  
فطامکه نه وز برج لوای  
بخته موی بومه را بیت یار  
رابه زمه زی جهان پناهه ک

یک جرعه می دجام جم که  
هر چه مه اراده به خوبایت  
شالی دین میراقبال  
آبا بسوه قابلزوالسی  
حنی و حکو دور منتهایت  
طالع بین ز بومه کوب  
چارک بین ز خوابختیار  
بیدا بین مه پادشاهه ک

پس از قرن ها آزارات فصل مشترک سرحد ایران - روس و عثمانی شد و ختفیم میاه آگری بزرگ سرحد روس و عثمانی گردید. در سال ۱۹۱۴ میان روس و عثمانی جنگ آغاز گشت. قوای عثمانی پس از نبردهای خونین پایکریز نهاد. ساکتین غیور آزارات دیگر طاقت تحمل این را نداشتند که پیش از این خاک و وطنشان دست بگردد از طرفی هم حاضر نبودند مذاقت و وفاداری شان بسلامت خلافت دستخوش شک و تردید شود از این رو دست به اصلاح بردند بزرگدی

گورجسو و بریدی حسکی (ابراهیم حسکی) به مظلوم مرات خاک خود پرداختند. جنگهای دلیرانه کردند و مانع از این شدند که روسهای تزاری به خاک آزارات وارد گردند. روسها هم در مقابل این شجاعت و مردانگی اصرار نوریزه آزارات را با جنگاورانش ختیسر خود گذاشته پیشروی خود را به داخل خاک عثمانی ادامه دادند.

مدافین آزارات اغلب از حدود خود تجاوز نموده حمله های دلیرانه بمظلوم ارتش روسها میکردند در یکی از جنگها گورجسو رئیس جنگجویان آزارات در حین حمله به قطار راه آهن دماگو - پایزید که حامل نظامیان مسلح بود کشته شد.

پس از کشته شدن گورجسو، بروی حسکی بارشادن نون الماده اش تا پایان جنگ نگذاشت بای اختیار به خاک آزارات برسد در حالیکه قوای روس از شهر تلبیس هم گذشته بود.

آزارات مانند جزیره های در وسط دریای دشمن مانده، امواج خروشان را عقب زده، خالک خود را از هر آسیب مصون میداشت.

اغلب بزرگ اکثر موجود شد که قوای روس اراضی اشغال شده خارج از سرحد خود را تخلیه نمایند. هنگامی ارمی در تحت فرماندهی انترایک پاشا تهرمان ملی خود حفظ اراضی اشغال شده عثمانی را برعهده گرفتند. ولی مسلم بود که با تشکیلات ناص و کم خود نتوانند در مقابل قشون عثمانی بایباری کنند.

اکواد آزارات نیز در این موقع به سرکردگی بروی حسکی منظر رسید قشون عثمانی شده حملات بی دری خود را بر علیه شهر پایزید آغاز نموده آرامگاه احمد خانی شاعر بزرگ کرد را مسترد داشتند ولی چند روز بعد ناچار آجارا به قوای عثمانی تحویل دادند. در سال ۱۹۲۰ کوه آگری مبداء دیگر حمله ترکها ب حکومت جوان ارمنستان گردید.

کردهای حوالی آگری در تحت اداره فرمانده لشکر ۱۱ ترک شهرهای ایغدیر و قلب را اشغال نموده به رودخانه ارس رسیدند. درجهبه های قانقره مان و قارص هم کرد ها اکثریت قوای ترک را تشکیل میداده در سایه فداکاری شایان موفق شدند برچم عثمانی را بعد از سال ۱۸۷۲ میلادی (روس و عثمانی) رسانیده از آنهم گذشته بدین است اصرار در مقابل تمام این جانبازیها انتظاراتی از دولت عثمانی داشتند.

انوس که دولت عثمانی بلاش خدمان و جانفشانی های آنان و با تامل عمده ای از سران و میرزین کرد باسخ داده اولین کسی که در مصف تبعیدشدگان قرار گرفت بروی حسکی بود که از هیچگونه خدمت صادقانه خود داری نکرده بود.

ملم آقای سعید مروج (آبشار کردستان)

۱۶۰

# کردوگردستان

\*\*\*

اولاد کبیفاد پنجاه بوده اند  
 ۱- کیکاووس ۲- کیکاو ۳- کیارشین  
 ۴- کیارمین ۵- کی پیشین  
 مدت سلطنت کبیفاد را مختلف نوشته  
 اند. اقرب بصدت ۹۴ سال است. زیرا  
 تاریخ قدیم اورامان فوت اورا معارن سال  
 ۷۵۹ و شته است و برضیق روایت آکتر یاس  
 بیش از سلطنت هم ۲۸ سال رئیس قبیله  
 (بوز) بوده است.

پس وایت صد و بیست سال سلطنت  
 کبیفاد شاید باخضام مدت ریاست قبیله  
 باشد که ۱۲۲ سال میشود بنا بر این عمر  
 او از ۱۲۰ سال تجاوز خواهد کرد.  
 کبیفاد در فکر و تدبیر ضرب السنل  
 است که در حال پیری هم حواس و مشاعرش  
 کاملاً بجا بوده است.

پادشاهی کیکاووس کرد - پس از -  
 کبیفاد روایات مورخین فوق العاده  
 معتقد و مشوش است و قابل ذکر نیست  
 تنها چیزی که در میان آن اختلافات بدست  
 می آید اینست که پس از فوت کبیفاد کاووس  
 پسرش که یوتیان کامبوز میگویند بر تخت  
 سلطنت جلوس کرده (۷۵۹ ق.م).

صاحب مجمع التواریخ کیکاووس را  
 نوه کبیفاد نوشته که پسر افراد پسر کبیفاد  
 است بعضی دیگر اورا نیره کبیفاد نوشته  
 اند که پسر کی نیا پسر کیکاو پسر کبیفاد  
 بوده است.

این روایت اقرب بصدت است زیرا  
 کبیفاد پسر افراد نام نداشته شاید افواج  
 بوده و کتاب اشتباه کرده افرا نوشته اند  
 که افرا مغرب ایراست و باخضام لغظکی  
 همان کیکاو خواهد بود

این پادشاه خیلی متهور و دلیر بوده  
 است پس از فتح هندوستان عزمها موزان  
 گشته است یعنی بین وی و لاخره - ذو -  
 الاذعار پادشاه بین صلح کرده است و دختر  
 اورا (سودابه) بزی گرفته در شب زفاف  
 کیکاووس با دوسر نوذر پیشه‌ادی (توس  
 و گشرب) و سایر سرداران لشکر گرفتار  
 بشوند و افراد سپاه فرار میکنند.

این خیر که برستم میرسد یا لشکر  
 گران رهسپار بین میشود پادشاه بن ناچار  
 با او صلح میکند و اسیران رها میشوند و  
 کیکاووس و سودابه با پنجبیزات شایان به  
 جانب ایران (ماد و پارس) حرکت می  
 کنند.

رستم در نتیجه این خدمت ندادن پهلوانه  
 بلقب جهان پهلوانی و حکومت بالاستقلال  
 سیستان و کابلستان نایل میگردد  
 هنگام رسیدن خبر گرفتاری کیکاووس

و سرداران بتوزان زمین فورا امر اسباب  
 با استعداد کافی بجزه ایران یعنی کشور ماد  
 و پارس حرکت میکنند پس از رسیدن -  
 کیکاووس بدرسلمنت بدون درنگ سیاهوش  
 پسرش را که یونانیان تیش پش میگویند  
 با تفاق رستم بچنگ افراسیاب میفرستند این  
 مرتبه هم چنگ توران با ایران صلح بر-  
 گذار میشود .

کیکاووس باین صلح رضایت نداده  
 توس نوذر را بچنگ افراسیاب میفرستد.  
 رستم از این ترتیب دلگیر شده بیستان  
 میروید سیاهوش هم که بجهت سودابه در  
 نزد پدر متهم بوده بوسیله پسران و پسه که  
 از امرای افراسیاب بوده نزد افراسیاب  
 میروند .

افراسیاب فتنه خودش فریبکیس را  
 باو میدهد - بالاخره به حمایت گرمیوز -  
 برادر افراسیاب گشته میشود

این اثر در تاریخ کامل است فریبکیس  
 را اشتباه کرده و سفارید نوشته است .

روضه الصفا در صفحه ۲۱۹ و مروج الذهب  
 جلد دوم صفحه ۸۰ و بعضی تواریخ دیگر  
 نوشته اند که کیکاووس قصد صعود باستان  
 کرده و باینجهت اورا نرود گفته اند در  
 صورتیکه نرود مطابق نص مریخ نورا  
 فصل دهم سفر تکوین پسر کوش پسر رام  
 است و کیکاووس چنانکه ذکر شد بمادا  
 پسر بایت منتهی میشود که رفته شبان  
 ازهم جداست و کیکاووس متجاوز از هزار  
 سال پس از نرود متولد شده است شاید  
 بجهت قصد صعود اورا بطور استعاره نرود  
 گفته اند.

کیکاوس در سال ۷۱۵ ق.م. بلاغی  
 از دنیا رفته است.

بعضی فریورت پدر توس را پسر  
 حلی کیکاووس نوشته اند که برائیان فریور  
 گویند. اما بر طبق تواریخ قدیم اورامان و  
 بعضی تواریخ دیگر فریور پدر توس نوه  
 قباد پسر آرجان است که چه پنجم کبیفاد  
 می باشد و گر شاسب پیشه‌ادی پسر آرتاب  
 پسر جمشید در چنگ ایران با چین که از  
 طرف فریدون پادشاه ایران (یعنی ماد و  
 پارس) سپهسالار لشکر بوده قباد را بیپناه  
 تحلف از امر او گشته است .

پادشاهی توس - پس از فوت کیکاووس  
 که بلاغی در گذشته برای انتخاب پادشاه  
 در بین طوایف ماد اختلاف در گیر شده  
 دودسته آرمینی و قبادی برای امر از مقام  
 سلطنت سخت بافتاری داشته اند .

سر سلسله آرمینی ها که لهراسب  
 پسر کیارجان یعنی اروند شاه پسر کی نیا  
 پسر کیکاو، پسر کبیفاد کرد پادشاه ماد و

## بک فزل

### از ظاهر بیک جانی

دل که حسرت نمیزد که دورتر کس برخود و  
 وک نمی زولفت عزیزم چو رودا که و ته و  
 منی سوتاند نه کن امله له شومی دومی  
 چون نه سویتیم من به آگر، او به باری نوت و  
 نسبتی زولمت له گهل حلقه زرنای بدی  
 لحنی داودی چه دختری بدنگ و سوت و  
 مصحفی خوش خضی کولت گریه بینی شیخی ما  
 کافره گریوسون بروانه نامز گونه و  
 گسره برسی بوقصه شیرینه هینده با ادب  
 شکر افشانه لب جانال ماچی شه و نه و  
 تا به کی مریان ، بتالم من به ایش و در ده و  
 دس به از نو، قورسیر دایم به رنگی زرده و  
 روزی اول بوکه زانیم من نه بی دیوانه بم  
 عاشقی نوعی مجنون وایه کیو وهرده و  
 مرحمت گسه ، زور برو قاصد پلی دردی دلم  
 نازی پاپویت اکیتم من به تو زو گسره و  
 هر و کوموس و فزح با دس له گزین داینشین  
 توبه سخته آروسه و زومن به رنگی زرده و  
 یک نفس جا کسی نه هینا کمینینی بخته کم  
 شش درم گیراوه ، دامام بدسنی زرده و  
 انناس ( ظاهر ) بیچاره قد سودی نه  
 تو که دایم شر فروشی به اولدی وک برده و .

\*\*\*

این غزل را آقای عباس آزاد بو (ناینده رسی نامه کوهستان  
 در مستقیم) ارسال داشته اند .

آقای عباس آزاد بو (ناینده رسی نامه کوهستان در مستقیم) ارسال داشته اند .  
 جامع با وضع کردستان ارسال داشته اند که در شماره بعد از نظر  
 خوانندگان خواهد گذشت .

پارس بوده و شته نسب او بآرمین پسر آرجان منتهی میشده بجهت  
 عهد تجربه و بنا داشتن علم کشور داری مقبول جامعه واقع شده است  
 اما سر سلسله قبادی ها که توس پسر فریور بوده باینکه گوته گیر  
 وده نشین بوده معینا بسبب عمل و کفایت و سیاستمداری کسب شهرت  
 نبوده مقبول جامعه و طرف توجه و اعتماد عامه واقع شده است و  
 باینجهت اورا بقاء سلطنت انتخاب کرده اند ۷۰۸ ق.م.  
 لهراسب که خود را بر حسب وراثت امین و اولی میدانسته .  
 علاوه داماد کیکاووس هم بوده است تسلیه سلطنت توس شده عهد  
 هر طرفدار او شده اند .

توس از مشاهده این وضعیت از سلطنت استعفا کرده بیعت خود  
 مر جعت نموده بکارهای (راستی برداخته است اما طوایف ماد دست  
 بردار نشده میانه اورا بالهراست اصلاح نموده مجدداً بر سر تخت  
 آورده اند ۷۰۷ ق.م.

قرار و اصلاح باین ترتیب بوده که مقام سلطنت ماد و پارس  
 یعنی ایران کنونی با تمام وظایف و شئون سلطنتی مخصوص توس  
 باشد (خراسان هم جزو قلمرو توس شده) حکمداری خاورستان هم  
 یعنی باختر و کابلستان و توابع آن حق بلاخره لهراسب قرار گرفته  
 که هنگام لزوم هم طرفین بهیله دیگر کمک کنند .

باین ترتیب نزاع ذات البین مرتفع گشته لهراسب مفرحکم  
 داری خود را بلخ قرار داده توس هم اکیاتان را که پایتخت رسی  
 دولت ماد بود مرکز سلطنت خود ساخته است  
 شرح اکیاتان در شماره آینده ذکر میشود

از دفتر

نظم آقای دستور مفر، سر راه کوهستان

### حضرت آقای مدبر معترم نامه دلی کوکمه است

#### دام بقائه

با احترام باینکه معذات کوچک نامه کوهستان که باید حساری بهترین مطالب و آثار گران بها باشد کثیباتی معالفاً مقبل و اخبار مشروح و مطول را ندارد در عین حال تدریاً برض مو رسام ما اگراد این صفحه دارای درد های اجتنامی ناممورد نواقص و منایب زیادی هستیم که در اثر عدم توجه اولیای امور روی هم انباشته تاکنون بواسطه نداشتن طرفدار جدی و وسله کافی همه را بپردبازی تحمل نموده ایم و اکنون که آن مدبر معترم برای رفع این نواقص و علاج این دردها معذرت نامه کوهستان را در اختیار ما گذاشته اند نهایت تشکر از این اقدام نوتر و بیگوناچاریم از حلالا برض اوضاع داخل خود میادوت نموده ولی درج تمام مطالب را ولودر دو شماره تاخامندییم

#### در دفتر کلبائی چه خبر است

۱- موضوع توزیع شکرروچائی در کلبائی از تاریخی که آقای صالحی رئیس اقتصاد کرمانشاهان وارد شده اند نسبت توزیع شکرروچائی و قماش یک عمل زشت غیر صالح قابل تنبیهی را مرتکب شده اند که موجب باس و نومیذی اغلب اربابان و رعایران واقعی این ولایت شده و آن تبیض بلاجهت و بلکه خیانت قابل تنبیضی است که در دست توزیع مرتکب شده و از تاریخی که دولت این حکم را داده و اجرا شده الی یونان هذا وساعتنا هذ منافع شععی آقای صالح مانع از استفاده اکثریت ساکنین این ولایت از سهمیه خود بوده و قسمت همدو اکثر از همین اغلب از دهات کلبائی حتی یک از شکر و چائی و یک ذرع قماش نرود اندر در مقابل قوت ایوم خودرا طریق اخلاص گذارده بدوات فروخته اند و فقط توانسته اند برای رفع خشکی روزانه در بازار قندونهای بسیار گران و سنگین و بطور قناعت مصرف کنند و دیگر تن و جسد خود و عائله آنها قربان و جلو آفتاب سوزان و سرمای سخت تابستان می سوزند و زمستان می لرزند و قضا شده بدوئی از راهایا سهمیه داده شده و زارین محروم از سهمیه میگردند

آیا دولت برای کلبائی سهمیه معلوم کرده باینکه کرده و در صورت اول روی چه اصلی اکثر را محروم اقل را متمم نموده اند و در صورت دوم برابریت داده اند و آیا این تمسح نامسر دولت بوده یا نه در صورت اول آیا محروم و معمر اهام دولت تمسکاً تمین نمود یا

و در صورت دوم بی اگر دولت تبیضی قائل نشده آیا خود تبیض جرم هست یا نه آیا در صورت اول بی اگر تبیض جرم باشد و تمسحین کنند غلت تبیض سوء استفاده مسامورین از سهمیه محرومین بوده آیا مجازات و کیفری در بین هست یا نه و در صورت دوم بی اگر تبیض را جرم بدانند

آیا عوض مجازات ترفیع درجه و تمام اضافه حقوق و جایزه باقائ صالح اعطاء خواهد شد یا غیر قطعاً صورت تبیض آخرین صورت حسی الزوق است زیرا که نمره نشان داده در کشور خرابی و مصاحب ما خیانتکار و ظالم نسبت بدرجه و مقدار خیانت و جنایاتی که بزبان ملت و مملکت مرتکب میشوند بیادش و جوارر اضافه حقوق و ترفیع مقام قابل خوانند شد و بهمان نسبت در سنگران و صحیح العمل ها هر چه بیشتر دوستکاری و صحت عمل از خود نشان دهند بیشتر محبت و ذلت نزدیک میشود ای خائین و بیگناهان بر آسید و در بندر باشید و بزودی در اصلاح معاندان لاقی خود بکوشید که شکربران و دهر آکین و سلاح معوق و خطرناکی بر ضد شایان از نیام درآمده و چون بری لامع چشمهارا خیره نموده و آن نام ملی کوهستان و مدر کردن از او کار گران حساس و مشربین زبردست و نویسنده است که صرقة روی اساس تعصب ملیت و حرمین برستی برای ویران کردن اساس است در ارتجاع و بر کردن ریخته خائین و جنایتکاران قد بردانگی علم کرده اند

آیا در وضع حیرت انگیزی مالیات و در آمد معثر کلبائی علاوه بر قانن عیب و گهریب جدید مالیات بردر آمد و آئین نامه منجب و معبر آن که دولت شاهنشاهی در کشور شهرار ساله وضع کرده و همه گناه آنرا بگردن میلیسیونستند آخراً در نتیجه دستور رسمی باید درآمد مندرجه در اظهار نامه های مودیان را بد مقابل ترمی داده و طبق آن مالیات برای مودیان تنبیس دهند همچنان غریبی بوجود آمده روی این دستور و هزار ها اظهار نامه - - برنده برای تحریب اساس زندگی مالکین و زار این و تجار در طیران است و یک وحشت واضعراب غیر قابل توصیفی در ولایات ایجاد نموده زیرا که بهر فردی دو برابر یا معادل تمام هستی او اخطار مالیاتی داده اند آیا از انقلاب عمومی نظر خوانندگان عزیز نتیجه از این عمل فایده خواهد شد

#### ۴- وضع رقت بار امف انگز معثر کلبائی

سفر تنهایی دارای دوازده هزار و با دهات کلبائی رفته گری و ییلوار دارای هشتاد هزار نفوس است نه اولیاء امور کوچک ترین توجهی باور بهداشت این عده از ملت ایران مسطوف نداشتند و هزارها شکایاتی که سالهاست در این زمینه بسج اولیاء امور رسایند اندکن لم یکن تالی شده ترحمی بیحال عزیز مردگان وضعه و ناله مرضای بی بضاعت مبتول فرموده و سالهاست حیات وزندگی اهالی مضرع و شیرین ولایت را مازبجه علیات بکنفر بزرگ نمای بی اطلاع نموده که نتیجه جز اتلاف نفس ملت و حیف و میل شدن ادویه و پول دولت تاکنون نداشتند چنه نمایی است که این آدم از تکثیر کنار است تا حدی تلفات بجائی خانیب یافته راهالی برای اینکه دکتر حلق و در بله باین ولایات اعزام شود نتیجه کرده اند هر بلتی را که دولت در ماه برای بزرگ بهداری اینجا موقوف میدهد متاقل آنرا اهالی برای سال اول بردارند که وزارت بهداری بکنفر کرد دیبله با بنولایات اعزام دارد و هنوز نتیجه معلوم نشده

#### ۴- سرفقت و قفل در سفر

چندی بود که امنیت سفر دچار اختلال شده و دستبرد های مسلحانه میشد و موجب وحشت عمومی گردید اشیرا سارقین بنرل علی نام سفری حلقه برده و مشازله باشباعت و رشادت فوق العاده و نابل تقدیری سبیلی از آنها دست بگریبان شده و شیل اسپر کردن سارن راداشته چون هر چه سارن الناس میکند که ویراها نموده فرار کند بخرج علی ترقت معکم او را بهرون خانه می کشند رفیق دیگر سارن بایک گوله علی نام را از یاد و بیارود و رفیق خود را نجات میدهد قضیه در ژاندارمری و دادگاه سفر تحت رسیدگی قرار گرفت با نتیجه چندتر سفری مورد سوء ظن واقع و بیبه و لکرا شکندی و تبیض بی برسناری مدعی شناسالی تمهین شده قضاغه تحت رسیدگی و تمهین در زندان کرمانشاهان هستند

### آسیب دیدگان بانه

شرحی از طرف اهالی بانه باضمای آثاریان - دباغی - صلبی - نوری - اویسی - نوکی - فاتحی - منصور - مرونی - خضری - مرغومی - احمدی - قرونی - خاندی - دوانی - شامی - حسینی - سلخانی - امسی - معدی - اسزازی - مازوجی - بهنوی - صباغی - خدائی معنه احد زاده و ظاهری مغایره و اظهار داشته اند مدت هشت ماه است از مسافرت و بازرسی جناب آقای فهیسی به صلعات کردستان میگذرد و اهالی بانه که در نتیجه حطف توجه دولت ابداً دراز شده بودند انتظار داشتند کمکهای را که رفته داده شده بود در باره آثاریان تسلیم تا سافه دوطرف اشدت بیش از ۵ هزار تومان و پنجاه من گندم و ۱۵۰۰ تیر برای ساختمان کمک دیگری نشده است از طرف دارائی - فقر کلاهای - بیرون بند شده هم مطابق معمول تقاطد دیگر سردم داده شده از مهرماه ۳۲۳ تا بحال اهالی بانه بیش از سههه یکماه شکر و چای چیزی دریافت نداشته حتی سیبه فستق هم نداده اند

از طرف دیگر از برمی جنسی که سابقاً از شارج وارد از طرف بنده رسعل گمرک آن دریافت شده بمبداء ۱۸۸۱ به ارزش مالیات نوده اند

در خانه امضا کنندگان توجه نامان مربوطه را به تقاضای ذیل معطوف داشته اند

- ۱- تمین شود و جوهری که بمنز انان شده بدگان با به جمع آوری شده چه بلتی رده است
- ۲- فرامی فرقی که چنین فعل ساختمان است نسبت بپرداخت اعتبار اندام فرمایند تا نوقت از دست ترقت خرابی هامرست خود
- ۳- بدارائی سفر دستور فرمایند در توزیع کالا نمای صعب افاده تسریع نمایند
- ۴- به گمرک بانه دستور فرمایند برخلاف مقررات اقدام به وصول مالیات گمرکی نمایند

نامه ها و تلگرافهای وارده

از اورامان

آقایان دکتر کمال شش‌شده مدظلی سلطان‌الیه - معده شریف - معده رشید عزت تلگرافاً می‌نویسند: طلع کوهستان را که بنظر خود مع از حق اگراد تأسیس گردیده به بانی جوان آن صبیانه تبریک عرض کرده توفیق هیشگی را از خداوند متعال خواهانیم بعضی دین‌یک شماره کوهستان نشاط تازه در خود می‌بینیم این جایشان جاننا و مالا برای هر نوع مرجوعه حاضر میباشیم.

از مهاباد

آقای سید عزیز سیادت از انتشارنامه کوهستان اظهار مسرت نموده می‌نویسند انتشار نامه کوهستان برای ماها و عموم منطقه کردستان اسباب بسی خوشوقتی و شادی و غرخی است

از سنندج

شرعی از طرف اهالی قریه بیساران رسیده چون امضا نداشت و معلوم نبود چه کسی نوشته از درج آن خودداری شد ولی ضمن این مقاله مفصل تقاضا نموده اند که مقامات رسمی به شکایات آنان رسیدگی نمایند.

از سنندج

آقای احمد ترخان آبادی شرح مفصلی راجع به املاک خود در منطقه رزاق میباشند نگاشته اظهار داشته است بسا وجود دادخواست های متعدد تا بحال نتیجه ای نگرفته است.

از بوکان

آقای اسمیل فرخی از انتشارنامه کوهستان اظهار خوشوقتی و مسرت نموده اند.

از مهاباد

نامه ای با مضای هشت نفر از فامیل قهرمانی دهبوگری رسیده راجع به تمیزی که در تحویل سهمیه کلای جیره بندی شده سال ۱۳۲۳ شده شکایت کرده اظهار نموده اند تا وجود شکایات و مراجعات معتدله هنوز سهمیه ۳۲۳ آنان تحویل نشده است و کسببون اعزامی هم با اظهار آنان توجهی نشده.

از مهاباد

شرح بسیار مفصلی که پیش از چهار صفحه ورق بزرگ است با مضای زاده کرد. م فداکار رسیده و راجع به مقاله روزنامه کیوان راجع باستقلال مسکرد نظریات خود را اعلام داشته اند اولاً چون روزنامه کیوان در شماره ۶۲ دوشنبه ۳۱ اردی بهشت طی سرمقاله ای تقریباً از مقاله قبلی خود معذرت خواسته تائیداً نوشته آقای م. مقاله بسیار مفصل بود با کمال معذرت از درج آن خود داری نمودیم

از سقز

تلگرافی با مضای آقایان: شیخ عبدالقادر حسینی - معده رشید خلوتی - احمد غازی - شیخ الاسلامی - عبدالوهاب امام زاده ملاعبدالله خلایق - محمد امین بدری امام زاده حاجی جلال شیخ الاسلامی - معده رشید شربی - رشید تاجورچی - معظلی تیمور زادمویها - اله بن حسینی رسیده از اقدامات آقای سرهنگ صارمی فرمانده تیپ سقز اظهار رضایت و خوشوقتی نموده اند.

از اشویه

آقای شیخ معروف حسین البرزنی از انتشارنامه کوهستان اظهار مسرت نموده اند.

از هانه سمرمله

آقای عبدالقادر بهرام زاده از طرف دانش آموزان دبستان شریه ماه گردیده می‌نویسند: از اول سال ۱۳۲۳ دبستان شریه هانه گردید که آخرین نطقه مرزی است و با دهکده بیاه عراق نیم فرسخ فاصله دارد با کمک آقای سهراب بیگ پسر آقای افراسیاب بیگ افتتاح گردیده و تمام زحمات دبستان را متحمل شده است آقای احمد حق پناه و پسرش محمد حق پناه مدت یکسال معیاً مدیر و آموزگار انتصابی دبستان بوده اند. از شهر پوره ۲۳ از طرف اداره فرهنگ کردستان دبستان مست رسمی پانته و آقای احمد حق پناه مست مدیریت و یک نفر دیگر آموزگار آقای موسی قزری از سنجح اعزام شده است.

کوهستان - ما از دریافت این گزارش دانش آموزان بسیار خوشوقت شدیم زیرا اولاً اطلاع حاصل گردیدیم که در چنین نقطه دور دستی با وجود هزاران اشکال هنوز اشغالی هستند سکه علاقه دارند فرهنگ را توسعه دهند، اولادهای خود را صلاح دانش مجهز کنند تائیداً فدای از دانش آموزان چنین دبستان دور دستی با وجود معسرین اندر قدر شناسند که در مقابل اعزام یک نفر آموزگار از طرف فرهنگ کردستان در مقام قدر دانی بر آمده اند تا نا این دانش آموزان از این محل دور دست علاقه نبوده اند با نزدیک شده اند و ضم دبستان خود ما را مطلع سازند. و اتفاقاً این نوع احساسات و این روحیه قابل تقدیر است.

از سقز

شرعی با مضای صادق بقال باشی و چند نفر دیگر رسیده از رئیس شهربانی اظهار رضایت نموده اند!

تلگرافی از ماشه ما ازبانه رسیده بود که از دیر رسیدن نامه های پستی اظهار نگرانی کرده بود موضوع اداره پست تهران اطلاع داده شد خوشوقتیم از این که برای رفع اشکالات این امر اقدامات لازمی از طرف اداره پست تهران بعمل آمده است

اطلاع

استقبال شایان خوانندگان گرامی از نامه کوهستان و مطالب وارده فراوان ایجاب میکند که در آینده نزدیک بر صفحات روزنامه امروزه و یا آنرا در قطع بزرگتری منتشر سازیم. از خوانندگان محترم تقاضا میشود نظریات خود را در این باب با بنویسند تا در این تغییراتی نمود نظریات حوم مراعات گردد

از مشترکیتی که تا بحال وجود آریسان را رداخته اند تقاضا میشود هر چه زود تر آنرا ارسال دارند مشترکین شهرستانها میتوانند وجوه اشترک را توسط نمایندگان ما ارسال داشته و یا مستقیماً بفرستند

حزن و اندوهی بصورت میگردید اما چیزی ننگدشت که دوباره بحالت اول بر میگشت و دنیا به حکایات زشتش را میگردت. هراس با اینکه از شنیدن حکایات آریکو نفرت و از جگر شدیدی داشت نمیتوانست از نگاه کردن میانه این مرد که آنقدر باقیانه برادرش متفاوت بود خودداری کند آریکو و کبیاره در میانه یک حکایت ساکت شد صدای سوتی از دالان غار بگوش رسید چند اعطه بعد از اقبال برادر غار ظاهر شد نارش با آتازی گذاشت و با آتایل ادب رئیس دزدان سلام کرد بعد پهلوی برادرش قرار گرفت مدتو نو، آ از اقبال پرسید از «اتو» چه خبر داری. -- برای من غیر مسکن بود که خبری از او بدست بیارم دو -- مهانغا» هیچکس از او حرف نبرد. مدتو نامیدی خود را از دست آوردن پسر برای راهزنان بیسان کرده از اقبال در درجه سه خود گفت آتیا ایجا خبر تازه نیست. هراس از قیانه افغان بی برد که او بسیار مضطرب و اندیشه ناک است بی از راهزنان در حالیه شدید جواب داد ما چندان بدکاران کرده ایم انگلیسها خیلی برای لغت کردن مناسب هستندا و سپس ساعت طلای خاتم کلولانه را باو نشان داده گفت نگاه کنی خیلی طول خواهد کشید تا آواز ها و با معالجات طبی شما یکچنین سودی را برایتان تائید راقابل ساعت را پس داده گفت: - امیدوارم که ناگزیر برهوش خوبی نشده باشید. هراس بسیار متعجب شده وقتیکه او را دید که با یکچنین صدای جدی در حضور ماتو هولزک صحبت میکنند.

آوقت او موافقی را بعاطر میآورد که قدر خوبیهای او را ندانسته و او را آزوده بود پس بخود آمده وضیعت خود را میدید میرسید سکه بسا در این مکان پر شور و شر در دست این خون خوران جان سپرد. اندیشه مرگ قلب و روحش را بیکباره از نیم میباشید و او را آزار میداد. مادرش از او ان کودکی مکرر از خدا و دین برای او حرف زده بود. خدا را نیات دهته گرفتار ان باو معرفی کرده بود. او خود نیز بعدا ایسان داشت و او را از صمیم قلب میپرستید. اما حالا حالا که گرفتار بدبختی شده است مثل آن عقیده اولیه را از دست داده بود. خدای مادرش را خدای خود نمیدانست زیرا او فکر مکرر ا. میگرد و نجات دهته برای خود سیده اند. محبوس جوان در دریای فکر و خیال متفرق بود اما بزودی رشته افکارش از هم گسخت. از در غار صدای پای چند نفر شنیده شد. لعلقه بد را هر نان با مشطهایی چند در دست وارد شدند نور مشطها بر دیوار منظره ترسناکی بنظر پخشید بود. همه خوشحال بودند. صداهای غنچه و شوخی از میان آنها بلند بود. مدتو در مقابل تشال حضرت مریم سرفرواد آورده سپس در کنار میز قرار گرفت آریکو ویو در مقابل او در آن طرف دیگر مسز نشستند آریکو بسیار خوشحال بنظر میرسید. حکایاتی چند یکی زشت تر از دیگری برای آنان نزل میگرد مثل اینکه زشتی حکایات او بی اندازه آنها را معصوظ کرده بود هراس با کمال حیرت او را میسرگوست او بر حمت نمیتوانست قبول کند که این شخص همان مرد ساکت و بد اخلاقی است که در جنگل همراه او بود با وجود این گاهگاهی آریکو بیکباره ساکت میشد آن وقت بنگهات

## يك دسته رموز

بقیه از صفحه

از ما بخواهید برای شما بفرستیم کپی‌نویسهای شور و مطالبه می‌دهد» مامور کنید جیلان و عیارات آنرا از زیر ذره بین و میکروسکوپ کنج‌کای بگذرانند هر جمله مشکوک آنرا چندین هزار برابر بزرگ کنند و آنرا با نظیرها و تفسیرهایی که میل دارند منتشر کنند مشروط بر اینکه در اعلامیه آشکاری باشد و با دروژنامه معروف چاپ شود و نسخه‌ای از آنرا برای ما بفرستند تا اینکه در مقابل تذکرات اساسی ما دروژنامه از گان نهانی خود را که متاسفانه خواننده‌های هم ندارد و حتی در تک فروشی تهران هم بزرگت می‌توان یافت و اداریه در سخته سوم آن که محل آگهی‌های ضروریات است با خطوط ریز جمله‌های بی‌سرو و ترفیض‌های غیبت آور از حال شما بنماید و گمان کنید این ترفیض‌های بی‌دلیل و مدزک جوانی است که با داده‌شده مامردانه می‌گوئیم شما باین آب و خاک غیبت کرده و می‌کنید و هر وقت محکمه صالحی در این کشور یافت شد این مدهارا بی‌بوت خواهیم رسانید ولی بسیار بجا بود اگر شما هم در مقابل این اظهار سریع ما اغلاظهار و جوتی می‌نویسید پس دلایل خود را برای اثبات در دلد های پیر زانه خود در مرض افکار عامه قرار میدادید .

میدانیم در برابر این اظهارات فلی ملهم باز شما در دست رموز ۲ بزار خود ادامه خواهید داد و قادر نخواهید بود کوچکترین اظهاری بنایتند زیرا اگر نظاری کنید کوس رسوائی خود را نخواستاید عیارات سرمقاله اولین شماره نامه کوهستان را مجددا در این جا تکرار نکنیم بروید آنرا خوب بخوانید تا مانند شیر تیزی باعناق قلب شما فرورود .

اطمینان داشته باشید بهیچ قیمت ما را نخواهید توانست از این خدمت مقدس که در پیش داریم متصرف کنید این راهی که ما انتخاب کرده‌ایم راهی است به شادراه سعادت کشور مستقی خواهد شد ما اول بیازی شداد و در ثانی بانکاه و پیشیانی جامعه کردارایی این راه را می‌پیمایم و شما عیاراتی ناچیز را دهر یازود از پیش پای می‌مداریم و یک دل و یک صدا می‌گوئیم باینده ایران مزنده و جاوید باد قوم عبور کرد .

## آگهی ضروریات

تاریخ: ۱۳۲۴/۳/۱۳ - با نوه دم (مرشدی) بنامنامه شماره ۶۵۰۱ با استاد بیکرک گواهی نامه و رو نوشت شناسنامه ۸۵ و رو نوشت قیم نامه دادخواست شماره ۲۳۸۱/۱/۲۴ داده باینکه مرحوم مشهدی محمد قوه چی دارنده شناسنامه شماره ۶۵۰۲ در تاریخ ۱۳۲۳/۳/۱۲ در تهران جایگاه هیشگی خود وفات یافته متقاضی زوجہ دائمی و آقایان محسن بنامنامه شماره ۳۷۹۸ و امیر بنامنامه شماره ۳۷۸۴۷ و رضاشناسنامه شماره ۲۱۸۰ بران و دوشیزه سرور بنامنامه ۴۲۵۷۶۶ دختر متوفی و وارث معترض میباشند پس از شنیدن گواهی نواهان مراتب سه نوبت متوالی ماهی يك بار در روز نامه رسمی کشور شاهنشاهی و روزنامه کوهستان آگهی میشود یا گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی معترضانه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز والا هر معترضانه غیر از رسمی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

رئیس گل دادگاههای بخش تهران . امامی امری

اگر خودشان فیداند اجتماع متدین میدانند که ندان کار جوانان تحصیل کرده و اشتغال بکسبی سواد بکار ناشی از اعمال نفوذ و اغراض شخصی است و جامعه منظور ایشان را از این عمل آنطوری که شاید و باید درک میکنند اکنون که مملکت حسبتنی خانی است و سؤال و جوابی در بین نیست شایع است که باید برام دیرینه خود را پیروی کنید و معالی بچوانان تحصیل کرده ندهید البته روزی هم نوبت بان‌ها خواهد رسید ولی چه فایده وقتی است که از بیه جان این کشور رمنی باقی باشد و زالوهای اجناس آخرین قطره خون این ملت سخته بده را مکیده باشند .

## يك بائوی کرد مینویسد

دیش در مقابل پنجره اطاق خود ، که مشرف به باغچه کوچکی است ، نشسته ظاهراً ناظر مناظر دلکش طبیعت بودم ولی باطناً در فضای فکری آسمان خیالاتم رعد و برقی احداث گشته ، پس از موفان شدیدی از ابرهای متراکم خیالات گوناگون و تصادف افکار منتهی مترجم زواهام صاف گشته و از زیر کوه کوه ابر تفکرات این کله جلوه گر گردید : مهیاد !!

گرچه از وضعیت طبیعی و جغرافیائی مهیاد اطلاع کافی ندارم ولی نونهائی از روح سلحشوری و احساسات يك مردان این سرزمین را که هر هفته در مصححات نامه کوهستان منعکس شده میخوانم و بر فکر يك این فرزندان رشید ایران تریك و تهیت میگویم .

من از آنچه تا بحال در نامه کوهستان خوانده‌ام اینطور در پانتهام که هیچیک از سکنه مناطق کردتشن با اندازه مهابادی ها احساس و صمیمی نیستند و مثل اینست که دیگر برادران کرد را روسی بزمرد در وجود حکمرما باشد هیچ نوع جوششی از خود ابراز نیدارند .

سلام بر شما ای برادران مهابادی من ، هر هفته نوشتجات شما را که در نامه هفتگی کوهستان درج شده میخوانم روحم زنده میگردد زیرا همیشه در بین برادران کرد نیز اشخاص زنده و بیدار یافت میشوند که دست برادران خود را گرفته از گرداب بدبختی و بیچارگیهایی که در اثر بزمردگی و بی‌رحمی خودمان ، پستی یادست خود تهیه کرده‌ام می‌کنیم گرفته بر هاند و با اعتماد بزمردگی و شودگی تاکی !

اکنون که زبانها باز است بگوئید آنچه را که باید گفت . آیا در مدت این چندسالی که بر شما ظلم و ستم روا داشته و میدارند بازمه شودگی لازم است ، آیا باز هم باید انگشت بر روی لب گذاشته گفت ساکت باشیم ؟

... آنچه را که می‌باید باید بگوئید و بازها تکرار کنید و از تکرار خسته نشوید . هیتکه خود را اندکی در رفاه و آسودگی مالی دیدید یا از زمر که کنار کشید نشوید ما را حتمی ، چکار داریم خود را برای دیگران بزرگت بیندازیم ، نه اینطور نباشید .

در هر حال که هستید دست بدست هم داده متفقا وسایل رفاه خود و خانواده خود و فرزندان خود را تامین کنید . آنکه غنی است کمک مالی ، آنکه دهواری فکر هالی است کمک فکری و آنکه بی‌تجرب است از دست رنج خود کمک کند و بدین ترتیب

بزم آفای عید شیخ الاسلامی از تهران

## اداره نامه کوهستان

شرعی را که آفای رئیس دارائی کردستان دایره به نبرته خودشان نیست باظهارات اخوی بنده آفای هادی شیخ الاسلامی در شماره ۱۵۰ ایراد نموده بوددیم انصابت در ماهیت دعوا وارد نموده و نیدانم اظهاراتی که میشود تا چه اندازه مفرون بحقیقت است که تفاوت نیایم فاما دوباره این که آفای رئیس دارائی اظهارات اخوی را مطول بطول خاصی فرض کرده‌است تا گزیرم برای دفاع از حقوق نموده جوان تحصیل کرده مراتب زیرا بر مرض رسانم البته آفای رئیس دارائی شاید شیخ الاسلامی و امثال او کار بدهند زیرا جوانان تحصیل کرده هیچوقت در برابر اعمال نفوذ رفته و وسیله انجام مناصب بلند اینگونه اوهام نیستان که نظری بر وضع شخصی ندارند نخواهند رفت و کارمندانی را انتخاب میکنند که عیاری از سواد و ورشد اجتماعی بوده تا بهتر از آن ها استفاده نمایند .

البته حایککه این گونه عناصر سواد و آماده بفرمان وجود داشته باشند برای جوانی تحصیل کرده که در رشته دارائی فارغ التحصیل شده‌است احساس و عمل نیست زیرا از اینکه جوانان جزنا فرمانی و مبارزه بر علیه دیکتاتوری و ولداری کاری ساخته نیست و نیکگذارند آفایان بد لغواء خود مرکب مرام را بنشانند آفای دیگر از دلان یقین دارم بواسطه تنبیه نا اندازمی بیسوردی که هادی شیخ الاسلامی از روش روزنامه جاب مالی نمود است و بملت مشاهده . اسرار گسیختگی و دیکتاتوری و بیدادگری مأمورین غیر صالح . عیان اختیار قلم را از دست داده است ز بخش برای جناب عالی ایجاد شده ولی این شر حرا که بر می‌درج در آن روزنامه تقدیم میکنم تا از لحاظ دفاع از حق اخوی و با اتمام از رئیس دارائی است بلکه میدانید که اغلب جوانان تحصیل کرده نتیجه چندین سال زحمتشان حصول تماس با این گونه صاحبند بانی است که تنها مرور زمان دتی آن ها را بالا برده و هر گز معالی . تجیب تحصیل کرده جوان نیدهند تا با مصالح خیرای هائی که در نتیجه عارضاتی و اعمال نفوذ ن عناصر سواد پرست در کشور تولید شده‌است همت گمارند .

آفای رئیس دارائی باید بدانند برای تیرته خود عذری بدتراز گناه اقامه نموندند

در سایه کوشش و اتحاد زندگی بر افتخاری فراهم نموده . فرزندان لایق و برومند بجامه تقدیم کنید